

حقوق و نیازهای بزهدیده^۱ در مرحله پلیسی

عباس شیری^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۹

چکیده:

زمینه و هدف: اولین مواجهه بزهدیده بعد از تحمل بزهدیدگی با پلیس و ضابطان است. نادیده گرفتن حقوق و نیازهای بزهدیده در مرحله پلیسی، موجب بزهدیدگی ثانویه وی می‌شود. شناسایی این حقوق و نیازهای بزهدیده از مهمترین مباحث بزهدیده‌شناسی است.

روش‌شناسی: این تحقیق از نظر روش، اسنادی است و اطلاعات آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به زبان فارسی و انگلیسی و مراجعه به قوانین و اسناد بین‌المللی تنظیم شده است.

نتایج و یافته‌ها: رفتار همراه با احترام و کرامت‌مدار پلیس با بزهدیده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مانع از بزهدیدگی ثانویه خواهد شد. پلیس، باید در مواجهه با بزهدیده، موازین انسانی و همراه با احترام را رعایت کند. کارآمدتر شدن پلیس منوط به رفتار کرامت‌مدار با بزهدیده، بزهدیده، گواهان، آگاهان، کارکنان نظام عدالت کیفری و کلیه کسانی است که به نوعی با بزهدیده در ارتباط هستند. آموزش‌های بزهدیده‌محور در شناسایی حقوق بزهدیده در مرحله پلیسی، دسترسی سریع و آسان به پلیس، دریافت به موقع شکایت و اعلام فوری مراتب وقوع جرم به مرجع قضایی، حفظ اسرار، زندگی و حریم خصوصی و مراقبت از سلامت بزهدیده، آگاهی‌دهی پلیس به بزهدیده و... از اهم نیازهایی است که پلیس باید در فرایند تحقیقات مقدماتی برآورده کند.

کلیدواژه‌ها

بزهدیده، بزهدیده‌شناسی، رفتار کرامت‌مدار، پلیس، مرحله پلیسی، آموزش، شکایت کیفری، حفظ اسرار، مراقبت

۱. ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، برای اولین بار واژه بزهدیده را به کار برد. در ماده ۱۰ همان قانون در تعریف بزهدیده آورده است: «بزهدیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاک» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.»

۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: ashiri@ut.ac.ir

مقدمه

نظام عدالت کیفری، فرایندی است که طی پنج مرحله، عدالت را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند. این پنج مرحله مانند یک سیستم هماهنگ و هوشمند عمل می‌کند تا بتواند ضمن اصلاح و تصحیح اشکالات مرحله قبل، به هدف یعنی تحقق عدالت نزدیک شود.^۱

این پنج مرحله عبارتند از: **مرحله پلیسی**، **مرحله تعقیب و تحقیق**،^۲ **مرحله دادرسی**،^۳ **مرحله تعیین و اجرای مجازات** و **مرحله پس از اجرای حکم یا مرحله پسا کیفری**. در هر کدام از این مراحل، بزه‌دیده، متهم، کارکنان نظام عدالت کیفری، نهادهای مردمی و سایر متخصصان (نظیر روان‌شناسان، مشاوران حقوقی و...) وظیفه و نقش خاصی را ایفا می‌کنند. حقوق متهمان در مراحل یادشده، مورد توجه قرار گرفته است. به ویژه، با گسترش و ارتقای موازین حقوق بشر، عملاً مراحل یادشده، متهم مدار و بزهکار محور شده‌اند. با مراجعه به انبوه اسناد بین‌المللی به ویژه در اسناد حقوق بشری و بازتاب آن‌ها در حقوق داخلی، این حقیقت بهتر آشکار می‌شود که موازنه و تعادل، عملاً به نفع متهمان و بزهکاران بر هم خورده است.

مباحث در حال گسترش حقوق کیفری کرامت‌مدار (یا بر مدار کرامت انسانی) بر حقوق متهمان و بزهکاران معطوف و بزه‌دیدگان را در حاشیه قرار داده است. مباحث یادشده حائز اهمیت بوده و از این جهت از ارزش بالایی برخوردار است، اما به موازات آن باید به حقوق بزه‌دیده نیز توجه شود. بزه‌دیدگان، چه حقوقی در این مراحل دارند؟ محدوده اختیارات آنان چیست؟ نارسایی‌های مهمی در هر مرحله در مورد حقوق بزه‌دیدگان وجود دارد. چالش دیگر تعارض حقوق بزه‌دیده با متهم در این مراحل است که ایجاد موازنه و

۱. رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین: «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها»، «بایسته‌های پژوهش در عدالت کیفری» صص ۱۱ تا ۱۹، چاپ اول، ۱۳۹۱، میزان.

۲. برای مطالعه در این زمینه رک: شیری، عباس: «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده؛ اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب»، مندرج در کتاب «تازه‌های علوم جنایی»، کتاب اول، صص ۴۴۷ تا ۴۶۳، چاپ دوم، بنیاد حقوقی میزان، تهران، پاییز ۱۳۹۲.

۳. برای مطالعه در این زمینه رک: شیری، عباس: «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده در مرحله دادرسی»، مندرج در کتاب «دائرةالمعارف علوم جنایی» کتاب دوم، صص ۴۲۵ تا ۴۴۲، چاپ دوم، ۱۳۹۵، بنیاد حقوقی میزان، تهران.

تبادل میان حقوق آنان از مباحث مهم جرم‌شناسی در حال حاضر است. از طرفی مداخله بزه‌دیده، مقامات نظام عدالت کیفری را ناخشنود می‌سازد. آنان، بزه‌دیدگان را اشخاص مزاحم می‌دانند و علاقه‌ای به پیگیری پرونده توسط آنان ندارند. اصولاً آنان، از اعطای نقش بیشتر به بزه‌دیده، استقبال نمی‌کنند و حتی مداخله آنان را بعضاً مخل روند تعقیب، تحقیق و دادرسی می‌دانند. بعضی مداخله بزه‌دیده را موجب تشدید و تقویت جنبه انتقام‌جویی و کینه‌خواهی علیه بزه‌کار تلقی می‌کنند.^۱

صرف نظر از دیدگاه‌های موافق و مخالف، در حال حاضر، از اعطای نقش بیشتر به بزه‌دیده استقبال می‌شود. تحت تأثیر جنبش بزه‌دیده‌شناسی^۲ در سال‌های گذشته و به خصوص بعد از ظهور نظریه عدالت ترمیمی،^۳ توجه روزافزون به حقوق بزه‌دیدگان و اعطای نقش فعال به آنان در رأس برنامه‌های اصلاح نظام‌های عدالت کیفری قرار گرفته است. مشارکت فعال، اعطای اختیار و حق تصمیم‌گیری، رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده^۴، توجه به حقوق بزه‌دیده در تمامی مراحل فرایند عدالت کیفری، تمایل به همکاری با نهادهای عدالت کیفری را افزایش می‌دهد.

بی‌تفاوتی، بی‌علاقه‌گی، بی‌انگیزگی که اغلب در بزه‌دیدگان مشاهده می‌شود، در نتیجه مشارکت‌ندادن و حمایت نکردن از آنان در فرایند عدالت کیفری است. وقتی آنان اختیاری ندارند و مورد حفاظت و مراقبت کافی قرار نمی‌گیرند به چه دلیل باید با نهادهای عدالت کیفری در جهت تعقیب و محاکمه بزه‌کاران همکاری کنند. به‌ویژه، در مورد

۱. هگل در این باره معتقد است: «از سوی دیگر زیان‌دیده تخلف را با محدودیت‌های کمی و کیفی آن درک نمی‌کند، بلکه آن را فقط، تخلفی را با محدودیت‌های کمی و کیفی آن درک نمی‌کند، بلکه آن را فقط، تخلفی بدون صفات کمی آن می‌داند و ممکن است در تلافی‌جویی خود زیاده‌روی کند و این زیاده‌روی، به نوبه خود، به تخلفی دیگر بیانجامد ... بازمانده کینه‌خواهی در پاره‌ای قوانین امروزی، بر جای مانده است، مانند مواردی که به افراد اختیار می‌دهد جرم را به دادگاه بکشاند یا نه» (هگل، ص ۱۳۷).

۲. درنر، ویلیام جی: بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه عباس شیری، صص ۱۴۰۸ تا ۱۴۱۸، مندرج در کتاب دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، فیشر و دیگران، زمستان ۱۳۹۳، بنیاد حقوقی میزان، تهران.

۳. برای آگاهی از نظریه عدالت ترمیمی رک. شیری، عباس: عدالت ترمیمی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، بهار ۱۳۹۶.

۴. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رک: شیری، عباس، دادخواهی کرامت‌مدار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۷ تا ۵۸.

مرتکبان جرایم سازمان یافته و خشونت آمیز که شکایت و حضور بزه‌دیده در مراحل عدالت کیفری خطرانی برای وی به دنبال خواهد داشت،^۱ بی‌علاقگی تشدید می‌شود. در حالی که اعطای اختیار، حق تصمیم‌گیری و توجه به سایر حقوق و نیازهای بزه‌دیده، وی را به گنشگر فعال در عرصه عدالت تبدیل می‌کند، احساس مسئولیت می‌کند و به راحتی تن به همکاری می‌دهد و حتی در همکاری پیش قدم هم می‌شود.

پرسش اصلی این مقاله این است که حقوق بزه‌دیدگان در مرحله پلیسی چیست و سازوکار تأمین این حقوق کدام است؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مبانی نظری بحث تبیین می‌شود، در ادامه ضرورت و اهمیت مرحله پلیسی و ضرورت آموزش‌های بزه‌دیده‌محور توضیح داده می‌شود، سپس به اهم وظایف پلیس در رابطه با بزه‌دیدگان پرداخته می‌شود و در نهایت به اهم مشکلات پلیس در مواجهه با بزه‌دیده اشاره می‌شود.

مبانی نظری

اهمیت مرحله پلیسی و ضرورت آموزش‌های بزه‌دیده‌محور: مرحله پلیسی، ناظر به اقدامات پلیس و سایر ضابطان دادگستری در کشف جرم، جمع‌آوری و حفظ آثار و دلایل جرم، دریافت شکایت بزه‌دیده و ارجاع به مرجع قضایی، جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای دستورات مقام‌های قضایی و حفاظت از بزه‌دیده است.^۲ اهمیت این مرحله چیست؟^۱ و چه ضرورت‌هایی باعث می‌شود که مرحله پلیسی به

۱. ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این خصوص تمهیداتی در نظر گرفته است. متعاقباً در اجرای تبصره یک ماده یادشده، آئین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۶ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و در روزنامه رسمی شماره ۲۰۶۴۷ تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱ منتشر شد.

۲. امروزه، در اکثر کتاب‌های جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، فصل مستقلی به پلیس اختصاص یافته است. نیروهای پلیس نیز، توجه خاصی به مباحث جرم‌شناسی مبذول کرده‌اند. این تعامل دو جانبه، بیانگر نقش و جایگاه پلیس در رابطه با بزهکاری است. برای نمونه ر.ک.

- Larry J. Siegel: Criminology, Tenth Edition, 2009, PP 484-518

براساس ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

ماده ۲۹ قانون مذکور (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) مصادیق ضابطان دادگستری را احصاء نموده، که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (که در این مقاله به اختصار پلیس خوانده می‌شود)، مهم‌ترین آنهاست. به همین جهت در بند الف ماده یاد شده آمده است: «ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

عنوان مهم‌ترین مرحله فرایند اجرای عدالت تلقی شود. از همین جا اهمیت و ضرورت بحث درباره آموزش‌های بزه‌دیده نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. این موارد را به ترتیب مورد بحث قرار می‌دهیم.

ضرورت و اهمیت مرحله پلیسی: مرحله پلیسی، از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی حائز اهمیت خاصی است. معمولاً بزه‌دیده اولین مواجهه‌اش بعد از بزه‌دیدگی با پلیس است. بنابراین، رفتار پلیس در مواجهه با بزه‌دیده آثار مهم روانی - جسمانی بر وی خواهد گذاشت. برخورد اولیه پلیس، می‌تواند آثاری در بزه‌دیده به جای بگذارد. فردی که مالی از او سرقت شده است، به کلانتری مراجعه می‌کند، اگر با او به طور مناسبی رفتار نشود، در این صورت احساس گناه و تنهایی می‌کند. مالباخته و سرگردان، منتظر مقام مسئول، بعد از دقایقی به او می‌گویند باید در معرفی سارق کمک کند، او می‌گوید نمی‌دانم، به کسی مظنون نیستم، او را به دادسرا ارجاع می‌دهند، دادسرا نیز، معمولاً با ازدحام مراجعه‌کنندگان روبروست. بالاخره، بیشترین موفقیت وی، گرفتن دستور قضایی برای کلانتری است. تصمیم به مراجعه به بیمه می‌گیرد. بیمه‌ها نیز برخوردی بهتر از کلانتری‌ها و مقامات دادسرا با بزه‌دیده ندارند. بالاخره اگر اشیاء مسروقه شامل بیمه باشد، پس از مدتی موفق می‌شود، درصدی از خسارت وارده را وصول کند. این روند، چه احساسی در بزه‌دیده ایجاد می‌کند؟ بنابراین، پلیس در مواجهه اولیه با بزه‌دیده، باید خودش را در مقابل بزه‌دیده پاسخگو احساس کند و راهنمایی‌های لازم را به بزه‌دیده ارائه دهد و به وی اطمینان خاطر دهد که به حقش خواهد رسید.

ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.» ترجیح و اهمیت پلیس بر سایر ضابطان، به دلیل گستردگی سازمان پلیس و مأموریت‌های محوله در راه مقابله با بزهکاری است که قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، مأموریت‌ها و وظایف آن را مشخص کرده است. براساس بند ۸ ماده ۴ قانون یادشده، انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است، شامل: مبارزه با انواع جرایم، پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرم، بازرسی، تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان، بزهکاران و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها، اجراء و ابلاغ احکام قضایی، انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم، انجام امور امدادی و مردم‌یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذیربط و... است.

۱. «در تقاطع مدل‌های مختلف دولتی سیاست جنایی، جایگاهی که به نهادهای پلیسی در معنای وسیع کلمه در فرانسه (شامل پلیس و ژاندارمری) داده می‌شود، پر معنا است.» (مارتی، ص ۲۵۴)

کارآمدتر شدن پلیس منوط به رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده، بزه‌کار، گواهان، آگاهان، کارکنان نظام عدالت کیفری و کلیه کسانی است که به نوعی با بزه در ارتباطند. اثر مهم توجه به بزه‌دیده، در خود پلیس ظاهر می‌شود. وقتی پلیس به بزه‌دیده به عنوان یک انسان شایسته احترام توجه کرده این نکته را درک خواهد کرد که شاید خودش یا اعضای خانواده، دوستان و بستگانش به چنین سرنوشتی (بزه‌دیدگی) دچار شوند. این وضعیت، یک احساس مشترک با بزه‌دیده را تقویت می‌کند، حساسیت پلیس در مقابله با بزهکاری را افزایش می‌دهد و نسبت به حمایت از بزه‌دیده و احساس همدردی با وی تشویق می‌شود و تمام تلاش خود را در راه تعقیب و دستگیری مرتکب مصروف می‌کند. در واقع تقویت حس مقابله با بزهکاری در پلیس، از طریق تقویت حس مشترک انسانی است. نباید به بزه دیده به عنوان یک وسیله به ویژه در مرحله پلیسی نگریسته شود. تروی^۱ در این باره معتقد است. «راهکار اساسی تعداد زیادی از کارآگاهان، مأموران تحقیق و متخصصان پزشکی قانونی، بی‌توجهی و دوری از بزه‌دیده است. **بزه‌دیده مانند یک شیء**^۲ مورد توجه قرار می‌گیرد. بدن آن‌ها مرده یا زنده و اعمال وحشتناکی که بر روی آن‌ها انجام شده، همه آن چیزی است که مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. مزیت این سازوکار آن است که نیاز به هیچ سرمایه‌گذاری عاطفی نداشته و تحت تأثیر رنج‌ها و آلام، قرار نمی‌گیرد. نقطه ضعف این سازوکار این است که ما با خطر فراموش کردن وجود انسانی بزه‌دیده و رنج‌های او مواجه هستیم» (تروی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷).

در ماده ۲ نظامنامه رفتار ضابطان دادگستری^۳ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ در این خصوص آمده است: «**ضابطان دادگستری در ایفای وظیفه خود باید به حیثیت انسانی کلیه اشخاص احترام بگذارند و آن را حفظ و از حقوق**

۱. Torvey

۲. به نظر تروی: «موضوع دقیق بزه‌دیده‌شناسی توجه به بزه‌دیده به عنوان یک انسان است.» (به نقل از تروی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹).

۳. Code of Conduct for Law Enforcement Officials, G A. res.34/169, annex, 34 U.N. GAOR Supp. (N.46) at 186, U.N.A/34/46 (1979).

انسانی اشخاص حمایت و پشتیبانی کنند. این احترام ناظر به کلیه افرادی است که در فرآیند کیفری با پلیس سر و کار دارند؛ متهم، مطلع، بزه‌دیده و خانواده‌های آنان، حتی کارشناس، مترجم، اشخاص خبره و کلیه کسانی که به نوعی مرتبط با پرونده قرار دارند. به ویژه در مورد بزه‌دیدگان این وظیفه مضاعف می‌شود. زیرا، آنان از وقوع جرم آسیب‌های مادی و معنوی دیده‌اند و ممکن است خود را در معرض بزه‌دیدگی دوباره ببینند. احترام به حیثیت انسانی و حمایت از آنان می‌تواند التیامی بر دردهای آنان باشد. به آنان برای به دست آوردن موقعیت از دست رفته‌شان کمک کند و زمینه بازپذیری دوباره آنان را فراهم کند.

امروزه بر رفتار مناسب پلیس با متهمان خیلی تأکید می‌شود و رسانه‌های عمومی در صورت مشاهده هرگونه تخلفی در این زمینه، آن را منعکس می‌کنند و خواستار پی‌گیری مقامات ذی‌ربط می‌شوند. ولی معلوم نیست چرا این حساسیت در مورد بزه‌دیده کم‌تر مشاهده می‌شود.^۱ یکی از اقدامات پلیس ایران، راه اندازی «**مرکز نظارت همگانی نیروی انتظامی**» در اواخر سال ۱۳۷۹ است.^۲ این مرکز، عهده دار دریافت شکایت‌های مردمی و انتقال آن به مقامات ذی‌ربط است. این مرکز، می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر عملکرد پلیس به ویژه در زمینه حقوق بزه‌دیدگان داشته باشد.

ضرورت آموزش‌های بزه‌دیده‌محور: آموزش‌های نیروهای پلیس در آغاز یا حین خدمت، بزه‌کارمحور است. ساختار سازمان پلیس و آموزش‌های آنان برای ارتقای حقوق

۱. فرمانده وقت نیروی انتظامی کشور، اعلام کرد: «۷۰ درصد از تماس‌های مردم با مرکز نظارت همگانی ناجا (۱۹۷) به علت بدرفتاری و بی‌توجهی مأموران نیروی انتظامی است (به نقل از روزنامه کارگزاران، یکشنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۸۷) و سپس به تأثیر مهم توجه به مردم پرداخت و اظهار داشت: «آنچه مردم را ناراحت می‌کند سردی و پی‌گیری نکردن مسایل است.» (به نقل از روزنامه اعتماد، یکشنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۸۷، ص ۱۵). وی همچنین اعلام کرد: «بیشتر شهروندان برای رفع مشکلات خود به پلیس مراجعه می‌کنند اما رفتار نامناسب برخی از مأموران ما به حدی است که شهروند از پی‌گیری شکایت خود منصرف می‌شود. ایشان آمار شکایات مردم را در این خصوص هفتاد درصد از کل شکایات اعلام کرد. (اعتماد ۲۵ دی ماه ۱۳۸۷، ص ۱۴)

۲. در تهران «مرکز نظارت همگانی» و در شهرستان‌ها «دفتر نظارت همگانی» نامیده می‌شود که از طریق شماره تلفن گویای ۱۹۷ می‌توان با آن تماس گرفت. این مرکز بخشی از واحدهای تابعه بازرسی کل ناجا است. این مرکز بعد از دریافت انتقادات، پیشنهادات، و شکایت‌ها، مراتب را به مسئولان و یگان‌ها اعلام می‌کند. این مرکز گزارشی از عملکرد خود را در سال‌های گذشته، به طور منظم ادواری (سالانه و ۵ سال یکبار) تاکنون منتشر کرده است.

بزه‌دیده نیازمند تغییراتی مهم است. آموزش‌هایی که برای نیروهای پلیس در نظر گرفته شده، بر بزهکار تأکید دارد.^۱ آموزش‌های بزه‌دیده‌محور در برنامه‌های پلیس ضروری است. این آموزش می‌تواند درون سازمانی و از طریق مقام‌های بالاتر پلیس نسبت به نیروهای زیرمجموعه خود و یا برون سازمانی و از طریق مقام‌های قضایی باشد. یکی از تحولات مثبت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، الزامی کردن آموزش‌های خاص ویژه ضابط دادگستری توسط دادستان است. در ماده ۳۰ قانون یادشده آمده است: «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.»

دوره‌های آموزشی، مجموعه آموزش‌هایی است که برای کسب مهارت‌های لازم و انجام وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار می‌شود. (بند پ ماده یک آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان دادگستری مصوب (۱۳۹۴/۶/۳۱) فصل دوم آیین‌نامه یاد شده به بحث آموزش اختصاص دارد. اهداف متعددی برای دوره‌های آموزشی در نظر گرفته می‌شود. از جمله در بند ۵ ماده ۵ آیین‌نامه یادشده بر «آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص» تأکید شده است. یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی، رعایت احترام و رفتار کرامت مدار نسبت به بزه‌دیدگان است. از طرفی فقدان مهارت‌های لازم پلیس در تشخیص مسئولیت‌های مدنی و کیفری، جرایم مشهود و غیر مشهود، وظایف نهادهای عدالت کیفری، ممکن است به بزه‌دیدگان

۱. قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به مسئله آموزش ضابطان توجه جدی کرده است. برخی از این مواد کماکان رویکرد بزهکارمحور دارند. مثلاً ماده ۴۲ قانون یادشده مقرر می‌دارد: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود» ماده ۳۰ همان قانون و تبصره یک آن، به طور کلی بر فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی در آغاز به کار و هم‌چنین بر استمرار آموزش دوره‌های حین خدمت تأکید کرده است.

آسیب‌های جبران ناپذیری وارد کند، بنابراین، باید در دوره‌های آموزشی به این جهات توجه شود.

رویه قضایی جدیدی در ایران در حال شکل‌گیری است که دادگاه‌ها، گزارش‌های مأمورانی را که دارای کارت ویژه ضابطان نباشند، بی‌اعتبار اعلام کرده و مستند حکم اعلام نمی‌کنند.^۱ فصل سوم آیین‌نامه اجرایی ضابطان دادگستری به «صدور کارت ویژه جهت ضابط دادگستری اختصاص دارد. بر اساس ماده ۱۲ آیین‌نامه یاد شده: «صدور کارت ویژه دادگستری منوط به دریافت گواهینامه گذراندن دوره آموزشی و تأیید دادستان خواهد بود»، در صورت عملی شدن ماده یاد شده، تحولات مهمی در زمینه ارتقای مهارت‌های لازم توسط ضابطان برداشته خواهد شد.

فراگیری مهارت‌های لازم که در ماده یاد شده اشاره شده است، شامل آموزش‌های مرتبط با نیازهای بزه‌دیدگان نیز می‌شود. این آموزش‌ها در هنگام شروع به کار پلیس ضروری است. بدون گذراندن دوره‌های آموزش لازم زیر نظر مرجع قضایی، پلیس نمی‌تواند وظایف مرتبط با ضابطان دادگستری را بر عهده بگیرد. در تبصره یک ماده یاد شده آمده است: «**دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار کند.**» در ماده ۱۶ اعلامیه اصول پایه در مورد عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب نوامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (که از این به بعد اصول پایه نامیده می‌شود)، آمده است: «**نیروهای پلیس باید آموزش‌هایی به**

۱. در قسمتی از دادنامه شماره ... صادره مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۵ دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بندر انزلی آمده است: «... حسب اشعار ماده ۳۰ و ۳۶ از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کشف جرایم در فرض مشهود بر عهده ضابطین دادگستری است و ضابط دادگستری فردی است که علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن عمل وی، می‌بایست مهارت‌های لازم را با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی و سپس تحصیل کارت ویژه ضابطان اقدام نموده باشد و ضمانت اجرای عدم تحقق موارد فوق بی‌اعتباری اقدامات انجام شده است. بررسی محتوی پرونده و صورت جلسه دستگیری ملاحظه می‌گردد که گروه امداد حفاظت ... اقدام به جلب و دستگیری مشتکی عنها نموده‌اند. حال آن که مرجع فوق در اینگونه موارد ضابط دادگستری نمی‌باشد و حق جلب و دستگیری افراد را در خصوص مواد مخدر ندارد....»

منظور حساس شدن آن‌ها به نیاز بزه‌دیدگان، همچنین رهنمودهایی برای اطمینان از ارائه کمک‌های فوری و مناسب به بزه‌دیدگان دریافت کنند»^۱.

آموزش‌های ویژه پلیس در مورد بزه‌دیدگان به ویژه از بُعد رفتاری حائز اهمیت است. نحوه رفتار پلیس در مواجهه بزه‌دیده، پاسخگویی مناسب، درک حالات روحی و عاطفی وی، با اهمیت تلقی کردن بزه‌دیدگی و احساس هم‌دردی با وی، از اهم آموزش‌هایی که پلیس باید از آن برخوردار شود. سایر وظایف قانونی پلیس در مورد بزه‌دیده، مانند دریافت شکایت بزه‌دیده، و اعلام فوری آن به مرجع قضایی، آگاهی‌دهی، حفظ اسرار، حفاظت از هویت (نظیر جرایم سازمان یافته) حفاظت فیزیکی، حفاظت از اموال، اسناد و مدارک، مراقبت‌های پزشکی فوری و ... به نحو مناسبی در برنامه‌های آموزشی پلیس گنجانیده شود. آموزش‌هایی درباره نحوه نگهداری اموال بزه‌دیده و نحوه بازگرداندن آن‌ها به وی نیز، ضروری است. نحوه اطلاع‌رسانی به خانواده بزه‌دیدگان به ویژه در جرایمی نظیر قتل، تجاوز به عنف و ... نیز باید آموزش داده شود تا موجب آسیب‌دیدگی دوباره نشود.

روش پژوهش

تا اواخر قرن هجدهم تفاوت‌چندانی بین دانش‌های بشری از نظر روش دیده نمی‌شود. روش‌ها بیشتر عقلانی بوده است. ولی رفته‌رفته روش تجربی به دلیل موفقیت چشم‌گیر آن در علوم تجربی، در سایر حوزه‌های معرفت بشری، به ویژه علوم اجتماعی، مورد استفاده قرار گرفت.^۲ بیشتر از روش تجربی برای پژوهش‌هایی که رویکرد بزه‌دیده‌شناختی یا جرم‌شناختی دارند، استفاده می‌شود. دان لیتل کتاب خود را با این پرسش آغاز می‌کند: «تیین علمی به چه می‌گویند؟» سپس در مقام پاسخ به این پرسش می‌نویسد: «هر تیین عادتاً

۱. Declaration OF Basic Principles of justice for Victims of Crime and A buse of power. G.A.40/34, annex, 40 U.N. GAOR Supp (No. 53) at 214, U.NDOC.A/40/53(1985).

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. شیر، عباس: «درباره جرم و جرم‌شناسی، ص پانزده تا سی و دو مندرج در: لین کرو - ناتاشا سمنز: پژوهش جرم‌شناسی، برگردان آزاده واعظی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۴.

پاسخ به سؤالی است»... پاسخ به پرسش‌ها، اغلب صورت تبیین علی (تعلیلی) به خود می‌گیرد. یعنی تبیینی که در آن علت حادثه‌ای خاص را به دست می‌دهیم» (لیتل، ص ۱۷). ولی، برخی پژوهش‌ها دارای ویژگی‌های خاص خود هستند که فقط نمی‌توان آن‌ها را از طریق پژوهش‌های تجربی انجام داد. پژوهش‌هایی که به متون قانونی، ادبی یا دینی بازمی‌گردند، نیازمند استفاده از روش‌های هرمنوتیکی یا تفسیری هستند؛ در این مقاله از دو روش استفاده شده است:

روش تجربی: بخش‌هایی از این پژوهش که مستلزم ارزیابی نیازهای بزهدیدگان، میزان رضایت یا نارضایتی از پلیس، یا موارد خاص بزهدیدگی بوده، از روش تجربی استفاده شده است. روش‌های تجربی ممکن است مستقیماً توسط پژوهش‌گر یا با مراجعه به پژوهش‌های انجام یافته، که به آن روش غیرمستقیم گردآوری اطلاعات گفته می‌شود، انجام شود. در این بخش، از روش غیرمستقیم جمع‌آوری استفاده شده است.

روش تحلیلی و تفسیری: بخش‌هایی از این پژوهش مرتبط با اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با موضوع است. در این بخش از روش تحلیلی - تفسیری استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

اهمّ وظایف پلیس در رابطه با بزهدیدگان: استقرار پلیس در اماکن عمومی، اختصاص تلفن‌های شبانه‌روزی برای پاسخگویی به بزهدیدگان، گسترش کلانتری‌ها، پاسگاه‌های سیار و نظایر آن در مکان‌های پُرجمعیت، امکان دسترسی به اولین پناهگاه برای بزهدیدگان را آسان و ممکن می‌سازد. از آنجا که پلیس، اولین گروه از مقامات عدالت کیفری است که بزهدیده با آنان مواجهه می‌شود، رفتار کرامت‌مدار پلیس و همدردی با بزهدیده در ایجاد آرامش و امنیت برای وی حایز اهمیت خاص است. مهم‌ترین وظیفه پلیس، درک و

فهمیدن بزه‌دیدگی است. اغلب بزه‌دیده از اینکه در این مرحله به نحو مناسبی به وسیله مقامات پلیس درک نمی‌شوند، ناراضی هستند.^۱

درباره افرادی که برای بار اول بزه‌دیده واقع شده‌اند و از این نظر تجربه کافی در مورد بزه دیدگی ندارند، نقش پلیس مضاعف خواهد بود. راهنمایی‌های لازم در خصوص نحوه جمع‌آوری دلایل، مانند مراجعه به پزشکی قانونی در مورد آسیب‌های جسمانی، تنظیم شکایت کیفری و دریافت دستور مقام قضایی، حفظ، جمع‌آوری دلایل ارتکاب جرم، معرفی شهود و نظایر این‌ها، اهم مواردی است که پلیس بلافاصله پس از مواجهه با بزه‌دیده باید برای وی توضیح دهد. یکی از اقدامات مثبت پلیس ایران در سال‌های اخیر، گسترش خدمات مرکز فوریت‌های پلیسی (۱۱۰)^۲ است که دسترسی بزه‌دیدگان به پلیس را در کوتاه‌ترین زمان در محل بزه‌دیدگی فراهم کرده است. مهم‌ترین خدماتی که در حال حاضر مرکز فوریت‌های پلیسی (۱۱۰) ارائه می‌کند عبارت است از: اعزام سریع پلیس به محل بزه‌دیدگی یا به عبارتی دیگر محل وقوع جرم برای دریافت شکایت و ارائه راهنمایی‌های لازم، حفظ صحنه جرم، جمع‌آوری ادله جرم، تنظیم صورت مجلس در محل، حمایت از بزه‌دیده در مقابل احتمال بزه‌دیدگی مجدد، اعزام تیم‌های پزشکی، همراهی با بزه‌دیده تا مراکز درمانی، اورژانس، حفاظت از بزه‌دیده، اعزام مأموران پلیس زن در جرایم جنسی و خانوادگی و نظایر آن. سایر خدمات پلیسی می‌تواند شامل مراقبت از کودکان، سالمندان، افراد در معرض خطر و هدایت آن‌ها به مکان امن، تأمین غذا، پوشاک، دارو و... باشد.

دریافت شکایت بزه‌دیده: یکی از مهم‌ترین وظایف پلیس، پذیرش شکایت بزه‌دیدگان است. اصولاً پلیس از طریق شکایت، از وقوع جرم مطلع می‌شود. در مرحله پلیسی باید

1. Bottoms, Anthony: Hearing the Victim – Adversarial Justice, crime victims and the State, WILLAN PUBLISHING, 2010, PP. 17-39.

۲. «ایجاد خط تلفن امداد رسانی به بزه‌دیده در سال ۱۹۹۴ به بزه‌دیدگان این امکان را می‌دهد تا اگر در مورد تماس تلفنی ناخواسته از سوی یک بزه‌کار، دلواپسی دارند یا به ترتیبات مربوط به آزادسازی یک بزه‌کار می‌اندیشند، با مسئولان زندان تماس بگیرند.» (به نقل از زندر، ص ۸۶۸).

امکان پذیرش شکایت حتی به صورت شفاهی برای بزه‌دیدگان فراهم باشد. ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این باره مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول کنند، شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.» باید امکان پذیرش شکایت شفاهی به ویژه توسط پلیس که بلافاصله با بزه‌دیدگان مواجه است، فراهم باشد. مطابق ماده یادشده حتی الزامی به امضا یا اثر انگشت بزه‌دیده در ذیل شکوائیه وجود ندارد، و تصدیق شکایت شاکی توسط پلیس یا مقام قضایی کفایت می‌کند.^۱

در قوانین اکثر کشورها نیز، پلیس موظف به دریافت شکایت بزه‌دیدگان می‌باشد. به عنوان مثال ماده ۳-۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در این باره مقرر می‌دارد: «پلیس قضایی موظف است شکایات ارائه شده توسط بزه‌دیدگان را دریافت کرده، و در صورت لزوم، آن‌ها را به بخش یا واحد ذیصلاح محلی پلیس قضایی انتقال دهد. ارائه شکایت باید در صورت مجلس قید شده و فوراً رسید آن به بزه‌دیده تسلیم گردد و در صورت تقاضای او، تصویر صورت مجلس مذکور نیز فوراً به وی داده خواهد شد.» در قسمتی از بخشنامه مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۰ وزارت دادگستری فرانسه آمده است: «... به محض اینکه بزه‌دیده قصد خود مبنی بر ارائه شکایت را به اطلاع افسران یا مأموران پلیس قضایی برساند، اشخاص مذکور موظف به ثبت شکایت او

۱. در بزه‌دیدگی‌های عادی، که بزه‌دیدگان در شرایط عادی و متعارف قرار دارند، معمولاً پلیس با وجود صراحت ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، از پذیرش مستقیم شکایت خودداری می‌کند و بزه‌دیدگان را به دادسرا هدایت می‌کنند. هرچند این اقدام پلیس، برخلاف صراحت ماده یاد شده است، ولی تا حدودی قابل دفاع است. زیرا، موجب کثرت شکایات‌های واهی و بی‌اساس علیه اشخاص می‌شود. یا در مواردی که موضوع واجد جنبه کیفری نمی‌باشد، نیز عملاً اختلافات به عنوان شکایت کیفری به جریان می‌افتد و برحجم متراکم پرونده‌های کیفری موجود خواهد افزود. به ویژه در مواردی که حتی پرونده‌های کیفری نیازمند به انجام تحقیقات پلیسی و یا حتی مداخله پلیس نمی‌باشد و مقامات قضایی می‌توانند رأساً مرحله تحقیق را انجام دهند و ضرورتی به مداخله پلیس در همه موارد نیست. بنابراین، لازم است، مقررات قانون آیین دادرسی کیفری اصلاح شده و پذیرش مستقیم شکایت توسط ضابطان قضایی، محدود به موارد خاصی از بزه‌دیدگی گردد.

در صورت مجلس هستند...». پلیس باید صلاحیت لازم را برای دریافت شکایت داشته باشد. این صلاحیت از دو جهت باید مورد توجه قرار گیرد:

صلاحیت تخصصی: بر اساس تشکیلات پلیس، بخش‌های ویژه‌ای در خصوص بزهکاران و بزه‌دیدگان ایجاد می‌شود. مثلاً بخش ویژه قتل، سرقت، کلاهبرداری، جرایم فضای مجازی، اطفال، زنان و ...؛ این موارد بیشتر ساختار بزهکارمحور دارند. پلیس‌های ماهر و توانا که تجربه کافی در شناسایی بزهکاران این گونه جرایم دارند و از آموزش‌های لازم هم بهره برده‌اند، در این بخش‌ها مشغول به کار می‌شوند، مثل پلیس آگاهی در ایران. توجه به صلاحیت‌های تخصصی پلیس در احقاق حقوق بزه‌دیدگان بسیار مؤثر است. در مواردی که شکایت بزه‌دیده به کلانتری‌ها ارجاع می‌شود ممکن است موضوع به بخش‌های عادی پلیس سپرده شود، آن‌ها مهارت لازم را در تفکیک جرایم از یکدیگر ندارند. مثلاً نمی‌توانند تفاوت یک قتل ساده یا سریالی را از هم تمیز دهند. در حالی که پلیس متخصص آموزش دیده می‌تواند این تمایز را متوجه شود و در نتیجه از وقوع بزه‌دیدگی‌های بعدی پیشگیری شود.^۱

مورد دیگر مربوط به **بزه‌دیدگی زنان** است. لازم است پلیس بخش‌های ویژه در رابطه با بزه‌دیدگی زنان ایجاد کند. زنان در محیط خانواده یا اجتماع، هدف‌های مطلوبی برای بزهکاران محسوب می‌شوند. بنابراین نرخ جرایم ارتكابی علیه آنان رو به افزایش است. متناسب با جنسیت و میزان آسیب‌پذیری خاص زنان، پلیس باید از صلاحیت تخصصی لازم برخوردار باشد.^۲ به همین جهت در پلیس ایران، پلیس زن استخدام و در بخش‌های مربوط مشغول به کار شده است.

۱. مثلاً در پرونده بیجه قاتل کودکان در پاکدشت ورامین، وی بارها دستگیر و آزاد می‌شود. بعد از قتل بیستم وی نهایتاً دستگیر و محکوم می‌شود در حالی که قتل‌ها مربوط به نوجوانان در یک محله محدود، اطراف محل کار بیجه و در هنگام تعطیلی مدارس رخ داده بود. یک پلیس متخصص، به راحتی می‌توانسته با توجه به ویژگی‌های مشترک بزه‌دیدگان، بعد از قتل سوم و چهارم، تشخیص دهد که قتل سریالی بود و قاتل یا قاتلان واحدی دارد. همین موضوع در پرونده‌های دیگر قتل‌های سریالی در ایران مثل قاتل مسافرکش (میدان آزادی - کرج) قاتل قزوینی و ... مشاهده می‌شود. برای مطالعه در این خصوص رک. کتاب دشت مشوش، بازخوانی پرونده بیجه قاتل کودکان پاکدشت، علی رضا رحیمی‌نژاد، نشر پیدایش، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۲. برای مطالعه بیشتر رک. «حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت خانگی در تحقیقات پلیسی»، سمیه حسامی، مجله

مورد بعدی مربوط به اطفال و نوجوانان بزه‌دیده^۱ است. پلیس، نیازمند ایجاد تشکیلات لازم از نیروهای متخصص درباره اطفال و نوجوانان است. ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این مهم توجه کرده و در این باره مقرر می‌دارد: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضاییه تهیه می‌شود». پلیس اطفال و نوجوانان، هر چند رویکرد بزه‌کارمحور دارد، ولی می‌تواند در جهت حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان نیز ساماندهی شود. در موارد سوءاستفاده جنسی از کودکان، تجاوز، کودک‌آزاری و نظایر این‌ها، نیازمند به پلیس متخصص آموزش دیده دوچندان می‌شود.

صلاحیت قانونی: پلیس، زمانی می‌تواند وارد فرآیند قضایی شده که عنوان ضابط دادگستری داشته باشد. مداخله غیر ضابطان در تحقیقات جنایی ممنوع است. ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) تحول جدید مثبتی را در این باره پیش‌بینی کرد که لازم است کارت ویژه ضابطان دادگستری برای پلیس صادر شود. طبق ماده یادشده «... تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بی‌اعتبار است».^۲ پلیس ایران بعد از تصویب قانون یادشده، در راستای اجرای ماده فوق اقدامات مؤثری انجام داده است و برای تعدادی از مأموران پلیس با هماهنگی مقامات قضایی کارت ضابط دادگستری صادر شده است.^۳ بنابراین کلیه تحقیقات و

حقوقی دادگستری، شماره ۵۲-۵۳، صص ۲۵۳ تا ۲۸۶، سال ۶۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

۱. «کودکان بزه‌دیده از دو منظر قابل بررسی هستند، ابتدا، همان‌گونه که بزرگسالان قربانی جرم واقع می‌گردند، کودکان نیز با آسیب‌پذیری بیشتر، آماج جرایم عمدی و غیر عمدی قرار می‌گیرند، اما برخی از جرایم تنها علیه کودکان واقع می‌شوند.» به نقل از: عباچی، مریم: رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده، ص ۱۷۵، مندرج در مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲-۵۳، سال ۶۹.

۲. بر اساس ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، تخلف از ماده ۳۰ موجب انفصال از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یکسال خواهد بود.

۳. در فرم‌های مخصوصی (اعم از فرم اظهارات متهم، شاهد / مطلع و ...) که بعد از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) توسط نیروی انتظامی تهیه شده، آمده است: «به تاریخ این جانب که

اقدامات پلیس که خارج از صلاحیت‌های قانونی صورت می‌گیرد، فاقد اعتبار است. حتی در جرایم مشهود، نیز باید به این موضوع توجه شود، زیرا در قسمتی از ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «... ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود...». بنابراین پلیس‌هایی که ضابط نیستند، حق مداخله در جرایم مشهود را نیز دارا نیستند. در کلیه مواد ۲۸ تا ۶۳ قانون یادشده، باید به موضوع صلاحیت قانونی پلیس توجه شود. پلیس نیازمند آموزش‌های لازم درباره صلاحیت‌های قانونی خویش است. به همین جهت در ماده ۶ آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۶/۳۱ در هفت بند محورهای صلاحیت و آموزش در آن‌ها پیش‌بینی شده است. البته، این بدین معنا نیست که پلیس فاقد صلاحیت دریافت شکایت است، بلکه وظیفه دارد، نسبت به دریافت شکایت و سایر اقدامات لازم برای حقوق بزه‌دیده اقدام و آن‌ها را در اختیار پلیس دارای صلاحیت قرار دهد.^۱

اعلام فوری مراتب وقوع جرم به مرجع قضایی: معمولاً پلیس اولین مرجعی است که از ارتکاب جرم مطلع می‌شود. با مراجعه بزه‌دیده به پلیس، وقوع جرم به اطلاع پلیس می‌رسد ممکن است پلیس شخصاً شاهد وقوع جرم باشد (جرایم مشهود) یا از طریق گواهان و آگاهان از وقوع جرم مطلع شود. خواه هویت اعلام‌کنندگان مشخص باشد یا نباشد، رایج‌ترین شیوه آگاهی پلیس، از طریق دریافت شکایت بزه‌دیده است. مهم‌ترین وظیفه پلیس بعد از آگاهی از وقوع جرم، اعلام فوری مراتب به مرجع قضایی است. ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) اولین وظیفه پلیس را در جرایم غیرمشهود همین موضوع اعلام داشته است. در ماده یادشده آمده است: «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و

دارای کارت ویژه ضابطین دادگستری شهر تهران می‌باشم...» تصریح به داشتن کارت ویژه ضابطان دادگستری در فرم‌های یادشده بسیار حائز اهمیت است که نشان از اهتمام پلیس در اجرای دقیق قوانین دارد.

۱. انواع صلاحیت‌های پلیس شامل صلاحیت جغرافیایی، صلاحیت مربوط به نوع وظایف (راهنمایی و رانندگی، پلیس فتا، پلیس دیپلماتیک، پلیس آگاهی و ...) است.

یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. هم‌چنین چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را أخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.»

حفظ اسرار بزه‌دیده: ضابطان دادگستری موظف هستند موضوعاتی را که در اثنای انجام وظیفه به دست می‌آورند، به‌طور محرمانه نزد خویش حفظ کنند. مسائل مرتبط با زندگی خصوصی، حیثیت و آبروی شغلی، خانوادگی، اجتماعی و نظایر این‌ها باید در نزد پلیس محرمانه حفظ شود. ماده ۴ نظام‌نامه رفتار ضابطان دادگستری به این موضوع اشاره دارد: «موضوعاتی که دارای ماهیت محرمانه بوده و در اختیار ضابطان دادگستری می‌باشد باید محرمانه نگه داشته شوند، مگر آن‌که انجام وظیفه یا نیازهای دادگستری صرفاً نحوه دیگری را اقتضاء کند.»

ماده یادشده مربوط به وظایف ضابطان دادگستری به‌طور کلی است، ولی در خصوص بزه‌دیدگان نیز بیان‌کننده یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حمایتی است. به ویژه در جرایم منافی عفت عمومی حفظ اسرار بزه‌دیدگان اهمیت بیشتری دارد. در بند «د» ماده ۶ اعلامیه اصول پایه در مورد عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب نوامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد،^۱ نیز بر «حفظ اسرار بزه‌دیدگان» تأکید شده است. ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این باره مقرر می‌دارد: «افشای

۱. Declaration OF Basic Principles of justice for Victims of Crime and A buse of power. G.A.40/34, annex, 40 U.N. GAOR Supp (No. 53) at 214, U.NDOC.A/40/53(1985).

اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.^۱ بنابراین، پلیس حق افشای اسرار بزه‌دیده را جز در موارد قانونی ندارد و در صورت افشاء مرتکب جرم شده است. مادهٔ یادشده، به بیان موارد محدودی پرداخته است. این موارد مانند هویت و محل اقامت، مربوط به حفظ جان بزه‌دیدگان و سایر اشخاص مرتبط است، ولی اطلاعات محدود به این موارد نیست و ممکن است شامل مواردی شود که به حیثیت و آبروی آنان لطمه‌ای وارد شود، مثلاً در جرایم منافی عفت، یا بدرفتاری والدین و سرپرستان قانونی نسبت به فرزندان و افراد تحت تکفل و نظایر آنها.

طبق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵): «... کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند». ماده یادشده عام بوده و تمامی موارد افشاء اسرار به مناسبت شغل از جمله افشای اسرار بزه‌دیده توسط پلیس را در بر می‌گیرد. همه افراد حق دارند که اسرارشان محفوظ باشد، مگر اینکه آگاهی از اسرار،^۱ از نظر قانونی ضروری باشد. بنابراین در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، آمده است: «... در غیر از موارد قانونی...»؛ این موارد قانونی برای ضابطان دادگستری و پلیس، در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مشخص شده است. زیرا، به موجب آن قانون، آنان، تحت نظر مقام قضایی انجام وظیفه می‌کنند و تابع دستورات آنان هستند. طبق ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند.» بنابراین، آنچه در روند تحقیقات پلیسی به

۱. حمایت از اسرار شخصی، محدود به موارد مشروع است، و گرنه، موارد نامشروع نظیر جرم، اصولاً سر محسوب نمی‌شود و افشای آن جرم نیست؛ فقط موارد استثنایی نظیر افشای جرایم منافی عفت، به علت اشاعه فحشاء جایز نیست. تبصره یک ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز ناظر به اتهام است نه جرم. بنابراین، بعد از اثبات بزهکاری و قطعیت حکم، انتشار آن، جایز است. رعایت مواد ۳۵۲ و ۳۵۳ قانون یاد شده در این خصوص ضروری است.

دست می‌آید باید در اختیار مقام قضایی مرتبط با موضوع پرونده قرار گیرد. در غیر این صورت افشای غیرمجاز محسوب می‌شود.^۱

مراقبت از سلامت بزه‌دیده و محافظت از وی: یکی از وظایف پلیس در مواجهه با بزه دیده، مراقبت از سلامت بزه‌دیده است. پلیس، باید از طریق مراکز پزشکی وابسته به خود یا فوریت‌های پزشکی دولتی و غیردولتی، مراقبت پزشکی^۲ لازم را نسبت به بزه‌دیدگان در نظر بگیرد. ماده ۶ نظام‌نامه رفتار ضابطان دادگستری در این‌باره مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری باید حفظ کامل سلامت اشخاص تحت نظر خود را تضمین نمایند، به‌خصوص هرگاه لازم باشد نسبت به تأمین مراقبت پزشکی^۳ اقدام فوری به عمل آورند.» منظور از «اشخاص تحت نظر»،^۴ اعم از متهم، مظنون و کلیه کسانی است که به نوعی با جرم ارتكابی در ارتباط هستند. بند «ج» ماده یادشده به ویژه مراقبت پزشکی از بزه دیدگان توسط ضابطان دادگستری را مورد تأکید قرار داده است: «بدیهی است که ضابطان دادگستری باید هم چنین مراقبت پزشکی را برای بزه‌دیدگان نقض قانون یا قربانیان حوادثی که در جریان نقض قانون روی می‌دهند، تأمین کنند.» این مراقبت‌ها، هرچند از طریق پلیس انجام می‌شود، ولی باید توسط اعضای تیم پزشکی اعم از پزشک، پرستار، امدادگر و نظایر آن‌ها باشد. این مراقبت‌ها در تصادفات رانندگی، جرایم خشونت بار، کودکان، زنان، سالمندان و... اهمیت دوچندان دارد.

۱. تکلیف به پیروی از دستورات مقام قضایی، مطلق نیست و محدود به تکالیف قانونی است. دستورات غیرقانونی مراجع قضایی با استنباط از ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، برای ضابطان دادگستری لازم الاجراء نیست. در ماده یادشده آمده است: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند، ولی مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.»

۲. medical attention

۳. طبق بند الف ماده یادشده: «مراقبت پزشکی که اشاره به خدمات ارائه شده توسط پرسنل پزشکی شامل پزشکان و پیراپزشکان تأیید شده دارد، باید هنگام نیاز یا درخواست تأمین گردد.»

4. Person in their custody

در سازمان و تشکیلات پلیس ایران، اکنون چنین خدماتی در دسترس بزه‌دیدگان قرار می‌گیرد.^۱ به ویژه با راه‌اندازی اورژانس هوایی، این خدمات در حال حاضر به نحو مناسب تری نسبت به گذشته ارائه می‌شود. در ماده ۱۷ اعلامیه اصول پایه آمده است: «به منظور فراهم نمودن خدمات و کمک‌های ضروری به قربانیان باید توجه لازم به کسانی که نیازمند کمک‌های خاصی به لحاظ نوع صدمه وارده به قربانی یا به لحاظ عوامل مذکور در بند ۳ هستند، مبذول گردد.»^۲

در گذشته، پلیس تمایل چندانی به انجام خدمات و کمک‌های فوری ضروری نداشته و موضوع را به نهادهای مربوطه ارجاع می‌داد ولی اهمیت کمک‌های فوری و خسارت‌های ایجاد شده در نتیجه عدم آمادگی پلیس، موجب شد در سازمان و نفرات پلیس، در این باره اقدامات مثبتی صورت پذیرد. به همین جهت، در بند ۱۹ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ آمده است: «انجام امور امدادی و مردم‌یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذیربط». در مواردی، بزه‌دیدگان یا خانواده آنان نیازمند به حفاظت در مقابل متهمان، محکومان یا افراد وابسته به آنان (مثلاً در جرایم سازمان یافته) هستند. امنیت و سلامت بزه‌دیده یا خانواده وی و افراد حامی آنان نظیر وکیل، شاهد و ... که ممکن است تهدید شوند و حفاظت از آنان در صورت وجود تهدید ضروری است. پلیس باید مکان‌های امنی را جهت انتقال بزه‌دیدگان در این گونه موارد در اختیار داشته باشد. این اقدامات پلیس باید رایگان و بدون دریافت هرگونه

۱. اورژانس تهران وابسته به شهرداری تهران (معروف به مرکز اورژانس ۱۱۵) طی شبانه روز، از طریق تماس تلفنی، خدمات قابل توجهی را به مصدومان و بیماران اورژانسی ارائه می‌کند. این مرکز، یک نماینده در سازمان حمل و نقل و کنترل ترافیک دارد که به محض مشاهده هرگونه حادثه رانندگی، به نزدیکترین مقر و یا خودرو امداد، اطلاع می‌دهد تا در صحنه تصادف حاضر شوند. مشابه این خدمات در سراسر کشور و به ویژه در جاده‌ها ارائه می‌ود. هماهنگی این مراکز با پلیس (خصوصاً راهنمایی و رانندگی) رو به افزایش است و در موارد بزه‌دیدگی نیز آنان با آگاهی یافتن از طریق پلیس در محل حاضر می‌شوند. این مراکز، در حال حاضر مجهز به موتور، اتومبیل و بالگرد هستند. با توجه به ناکافی بودن امکانات پلیس برای ارائه خدمات پزشکی در موارد ضروری، هماهنگی بیشتر مراکز اورژانس در سراسر کشور ضروری است.

۲. طبق بند ۳ اعلامیه اصول پایه: «این مقررات نسبت به تمامی افراد بدون تمایز از هر نوع از قبیل نژاد، رنگ، جنسیت، سن، زبان، مذهب، تابعیت، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، اقدامات یا اعتقادات فرهنگی، دارایی، تولد یا وضعیت خانوادگی، خاستگاه نژادی یا اجتماعی و معلولیت قابل اعمال خواهد بود.»

وجهی صورت پذیرد. ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این باره مقرر می‌دارد: «تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به ... حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در تهدیدات، ... تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است.» در برخی از موارد، حفاظت از بزه‌دیده حتی بعد از محکومیت بزه‌کار نیز توسط پلیس ضرورت دارد.

اختیارات پلیس در جرایم مشهود و حقوق بزه‌دیده: پلیس در جرایم مشهود،^۱ اختیارات ویژه‌ای دارد. طبق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «... ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به‌دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند...». پلیس در جرایم مشهود، می‌تواند، متهم را بدون حکم مقام قضایی بازداشت کند و بلافاصله مراتب را برای کسب تکلیف به اطلاع دادستان برساند. براساس بند ب ماده ۴۵ آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «بزه‌دیده ... حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند» و در بند ث ماده یادشده آمده است: «جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.» ماده یادشده از نظر بزه‌دیده

۱. ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) درباره مصادیق جرم مشهود مقرر می‌دارد: «الف - در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.
- ب - بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.
- پ - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.
- ت - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.
- ث - جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.
- ج - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.
- چ - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.»

شناسی حمایتی حائز اهمیت ویژه است. بزه‌دیده در حین وقوع جرم یا بلافاصله بعد از آن از نظر روحی به شدت نیازمند حمایت است. ضمن اینکه ادله جرم و امکان دستگیری متهم نیز فراهم‌تر است. بنابراین با مداخله زود هنگام پلیس، ضمن پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی، ادله و آثار جرم نیز به نفع مناسبت‌تری فراهم می‌شود و حمایت‌های ضروری هم از بزه‌دیده صورت می‌گیرد.

آگاهی‌دهی به بزه‌دیده توسط پلیس: پلیس در مواجهه با انواع بزه‌کاران، به شیوه‌ها و روش‌هایی که آنان برای ارتکاب جرم انتخاب می‌کنند، اشراف پیدا می‌کند. معمولاً این روش‌ها تکراری است. به همین جهت قابل دسته‌بندی بوده و می‌توان به بزه‌دیدگان اطلاع رسانی کرد و آنان را از شیوه‌های ارتکاب جرم آگاه ساخت. بدین وسیله آنان آمادگی لازم را برای مقابله با بزه‌کاران کسب کرده و با راه‌کارهای پیشگیرانه می‌توانند بزه‌دیدگی خویش را کاهش دهند. مثلاً بررسی قتل‌های سریالی زنان یا سارقان زورگیر در ایران نشان می‌دهد که مسافر بر شخص بزه‌دیده خود را از بین مسافران انتخاب می‌کند. بنابراین پلیس با هشدارهای به موقع به افراد به آن‌ها اعلام می‌کند که از وسایل نقلیه عمومی استفاده نکنند. بررسی موارد مختلف توسط پلیس آگاهی تهران نشان می‌دهد که سارقان تحت پوشش مسافرکش از این روش استفاده می‌کنند. به ویژه، آگاهی‌دهی به بزه‌دیدگان در معرض خطر، به ویژه کودکان و زنان توسط پلیس از وظایف اصلی پلیس محسوب می‌شود.

ارائه اطلاعات لازم به بزه‌دیده در خصوص حقوق خویش، نحوه تنظیم شکایت، معرفی مراجع ذی‌صلاح، نحوه پی‌گیری صحیح، از نیازهای مهم بزه‌دیده محسوب می‌شود. به همین جهت ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «**ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.**» نقش پلیس در این خصوص حائز اهمیت خاص است. با تأسیس واحدهای مشاوره و مددکاری اجتماعی از سال ۱۳۷۹، در بیشتر مراکز پلیس ایران، خدمات مناسبی به بزه‌دیدگان توسط پلیس ارائه می‌شود. ارائه راهنمایی‌های لازم و آگاهی‌دادن به بزه‌دیدگان در مورد

حقوقشان از اهمّ وظایف واحدهای یادشده است.^۱ اما، آگاهی‌دهی به بزه‌دیده از محتویات پرونده‌ای که در نزد پلیس تشکیل می‌شود، از محدودیت‌های خاصی برخوردار است. اصولاً، پلیس اجازه آگاهی بزه‌دیدگان را به دلایل پلیسی و قضایی نمی‌دهد. در حالی که بزه‌دیده خواهان آگاهی مختصر از میزان پیشرفت پرونده‌اش است.

در بند الف پاراگراف ششم «اعلامیه اصول پایه» آمده است: «آگاهی‌سازی بزه‌دیدگان از نقش، محدوده، طول مدت و میزان پیشرفت رسیدگی به پرونده مطروحه‌شان، خصوصاً در جرایم شدید و مهمّ و هنگامی که چنین درخواستی از سوی آنها وجود دارد.» بنابراین، پلیس باید به بزه‌دیده شماره پرونده و نحوه تماس درباره پی‌گیری شکایت خود را توضیح بدهد. در حال حاضر، در قوه قضاییه از طریق پیامک مراحل پرونده، به طرفین دعوا اطلاع داده می‌شود. طراحی و راه‌اندازی چنین سامانه‌ای در پلیس ایران نیز ضروری است. پلیس، باید یک سامانه تلفنی مناسب را در اختیار بزه‌دیدگان قرار دهد تا از آن طریق بتوانند از مراحل پرونده خویش آگاهی یافته و اطلاعات جدید مورد نیاز را دریافت کنند یا در صورتی که اطلاعات و مدارک جدیدی به دست آوردند، بتوانند در اختیار پلیس قرار دهند. اصولاً پلیس ایران، بدون دستور مقام قضایی اجازه دسترسی به پرونده را نمی‌دهد، ولی موارد متعددی در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) پیش‌بینی شده است که در این ارتباط باید مورد توجه قرار گیرد ولی با توجه به ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) امکان آگاهی از محتویات پرونده در نزد پلیس، از طریق مقامات قضایی برای بزه‌دیده وجود دارد.^۲ آگاهی‌دهی پلیس محدود به محتوای پرونده نیست. هر نوع آگاهی‌دهی که بتواند به بزه‌دیده کمک کند، باید توسط پلیس در اختیار وی قرار گیرد. مثلاً برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد، اقداماتی در جهت امنیت، سلامت، حمایت و پشتیبانی از بزه‌دیده به عمل می‌آورند. خانه‌های امن،

۱. یکی از اشکالات واحدهای یاد شده، پاسخگویی به صورت حضوری است. در صورتی که همین واحدها، یا واحد مستقلی در نیروی پلیس جهت صرفاً مشاوره تلفنی در سراسر کشور تأسیس شود. خدمات قابل توجهی می‌تواند به بزه‌دیدگان ارائه نماید.

۲. برای آگاهی بیشتر در مورد آگاهی‌دهی به بزه‌دیده، ر.ک. شیری، ۱۳۸۶، صص ۴۶ تا ۵۱.

ایجاد می‌کنند یا برای درمان اقدام می‌کنند. پلیس از نحوه ارتباط با این نهادها آگاه است. بنابراین، باید در این خصوص اقدام به آگاهی‌دهی به بزهدیدگان کند. به همین جهت تبصره ۲ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این خصوص مقرر می‌دارد:

«ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفاند بزهدیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.»

در مواردی بزهدیدگان به علت طفولیت، بیماری، ناتوانی جسمی یا ذهنی قادر به طرح شکایت و پیگیری موضوع نیستند. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در این گونه موارد اعلام جرم کرده و حتی در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. پلیس در هنگام مواجهه با این گونه بزهدیدگان موظف است، آن‌ها را از وجود این سازمان‌ها مطلع کند.^۱ تعامل پلیس با سازمان‌های مردم‌نهاد در این خصوص برای حمایت از حقوق و نیازهای بزهدیدگان حائز اهمیت است.^۲ آگاهی به بزهدیده در خصوص نحوه مراجعه به شرکت‌های بیمه برای دریافت خسارت و دیه توسط پلیس باید انجام شود. به ویژه در تصادفات رانندگی، اقدامات به موقع بزهدیده در مطالبه خسارت حائز اهمیت است که ممکن است به دلیل ناآگاهی، حقوق وی نادیده گرفته شود. پلیس باید آگاهی‌های لازم به بزهدیده در خصوص نحوه استرداد اموال خویش را ارائه دهد، اموالی که از بزهدکار به دست آمده (نظیر سرقت) یا اموالی که در ارتباط با جرم توقیف می‌شود و متعلق به بزهدیده است.

بحث و نتیجه گیری

بزهدیده، توقع‌های بسیاری از پلیس دارد، زیرا، بزهدیده، اولین مواجهه‌اش پس از بزهدیدگی با پلیس است و هنوز در وضعیت روحی نامناسبی قرار دارد. بنابراین، کار پلیس،

۱. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.»

۲. «حقوق بزهدیده باید در اولویت‌فعالیت‌های نیروی پلیس قرار گیرد. تا زمانی که ما به افسران پلیس - پاسخ‌دهندگان اولیه و ابتدایی خودمان - مهارت‌های جبران خسارت را آموزش ندهیم و نشان ندهیم که حساسیت، هم‌دردی و دلسوزی باید در میان زرادخانه آن‌ها ابزار مهمی برای صلح تلقی شود، بزهدیدگان هم‌چنان بزهدیده باقی می‌مانند.»

دشواری‌تر از سایر مقامات نظام عدالت کیفری است که پس از پلیس با بزه‌دیده مواجهه می‌شوند. پلیس می‌تواند به بزه‌دیده توضیح دهد که ضابط قضایی است و بدون دستور مقام قضایی، اختیارات بسیار محدودی دارد و نمی‌تواند رأساً اقدام خاصی انجام دهد. بدین ترتیب بزه‌دیده، درک مناسبی از موقعیت پیدا خواهد کرد. او آگاه می‌شود که فرآیند کیفری، در صورت شکایت رسمی وی از بزه‌کار و به‌دنبال آن دستور مقام قضایی (دادسرا - دادگاه) آغاز می‌شود. وجود دادسراهای کشیک در حال حاضر اقدام مثبت قوه قضائیه است که در طول شبانه‌روز امکان طرح شکایت به بزه‌دیده در موارد فوری را می‌دهد که معمولاً با هدایت پلیس انجام می‌شود.

نکته دیگری که برای بزه‌دیدگان در همین مرحله مهم است، بازگرداندن اموال است که پلیس نمی‌تواند بدون دستور مقام قضایی چنین اقدامی را انجام دهد و این موجب آزرده‌گی خاطر بزه‌دیده می‌شود. پلیس می‌تواند، این مرحله را سریع‌تر از روال اداری مرسوم انجام دهد.^۱ اصلاحاتی در زمینه قوانین موجود و اعطای اختیار بیشتر به پلیس، برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان بسیار سودمند خواهد بود. ضمن اینکه پلیس می‌تواند به بزه‌دیده اطمینان دهد که اموالش محفوظ است و آسیبی نخواهد دید. پلیس خود از بزه‌دیدگان ثانویه محسوب می‌شود که همیشه در تقابل با بزه‌کاران قرار دارد و باید فشارهای روانی وارده از طرف بزه‌دیدگان را نیز تحمل کند، بنابراین لازم است به کارکنان پلیس هم در این خصوص خدمات خاصی توسط سازمان مرکزی پلیس داده شود.

پلیس ایران، هیچ‌گونه اختیاری برای صدور قرار ندارد. براساس ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) «**ضابطان دادگستری اختیار أخذ تأمین از متهم را ندارند...**» از نظر مقررات آیین دادرسی کیفری، تردیدی در نفی اختیار پلیس در صدور قرار وجود

۱. در یک پرونده واقعی، فردی به دروغ خود را مأمور پلیس معرفی و تقاضای وجهی به عنوان اخاذی کرد؛ با هماهنگی مقامات قضایی و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، فرد بادشده دستگیر شد. شاکی، مبلغی دلار (به تقاضای متهم) تهیه کرده بود، که در ازای دریافت مدارک به او بدهد. شاکی که در تمامی مراحل با مقامات پلیس هماهنگ عمل می‌کرد، در هنگام دستگیری متهم، مشاهده کرد که دلارهای متعلق به وی نیز ضبط شد اما استرداد دلارهای یادشده به وی مدتی طول کشید.

ندارد، ولی از دیدگاه **بزه‌دیده شناسی** به منظور حمایت از بزه‌دیدگان، اعطای اختیار پلیس در صدور قرارها، توصیه می‌شود.^۱ ولی، پلیس در مواردی بدون صدور، عملاً متهم را برای مدت خاصی تحت نظر قرار می‌دهد.^۲ در قسمتی از ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) آمده است: «... چنانچه در جرایم مشهود،^۳ نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. به هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.»^۴

در جرایم مشهود امکان دستگیری متهم حتی بدون حکم قضایی وجود دارد. نوع جرم هم تأثیری در این خصوص ندارد، زیرا واژه «**وقوع جرم**» مطلق است و شامل همه جرایم می‌شود. در غیر موارد جرایم مشهود هم پلیس دارای اختیارات خاصی برای تحت نظر قرار دادن متهم است. مثلاً بزه‌دیده بلافاصله بعد از وقوع سرقت، به پلیس مراجعه می‌کند و اعلام می‌دارد که سارق در حال انتقال اموال مسروقه است. در حالی که وقت اداری هم به پایان رسیده است. ارجاع بزه‌دیده به دادسرا، ممکن است موجب فرار متهم یا جابه‌جایی اموال شود. در این صورت پلیس می‌تواند اقدام به دستگیر کردن متهم و تحت نظر قراردادن وی کند. ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این باره مقرر می‌دارد: «**هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی کند و**

۱. برای نمونه، در پرونده‌های خشونت خانگی در اتریش، پلیس می‌تواند قرار مبنی بر الزام مظنون به دور ماندن از خانه تا دو هفته صادر کند. به نقل از شایان، منبع قبلی، ص ۷۷.

۲. تحت نظر قرار دادن یک فرد که مدت‌ها، خاص رویه‌های پلیس قضایی بود، امروزه با عنوان نگهداری (توقیف) اداری با مدت محدود به پلیس اداری به منظور کنترل هویت افراد نیز تسری داده شده است (ماده ۷۸-۱ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه).

۳. مصادیق جرم مشهود در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) احصا شده است. مطابق بند ب ماده یادشده: «بزه‌دیده ... حین وقوع جرم یا بلافاصله بعد از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کند.»

۴. طبق مواد ۴۷ تا ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقررات زیادی در خصوص «تحت نظر قراردادن» توسط ضابطان دادگستری پیش‌بینی شده است که شامل غیر موارد جرایم مشهود نیز می‌شود.

در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد.

بعد از این که مقام قضایی در فرآیند قضایی وارد می‌شود، دیگر پلیس حق مداخله بدون اجازه و دستور مقام قضایی را نخواهد داشت. از طرفی بزه‌دیدگان دسترسی راحت‌تری به پلیس دارند، به همین دلیل دائماً به آن‌ها مراجعه و انتظار پی‌گیری پرونده از آن‌ها را دارند. همین موضوع بخش زیادی از نارضایتی بزه‌دیدگان از پلیس را موجب می‌شود. ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این ارتباط مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم، تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به آنان تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر آنکه انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضائی به آنان ارجاع شود».

پلیس، نیازمند سازمان نرات و امکانات و تجهیزات کافی برای انجام مأموریت‌های خویش است. ساختار پلیس براساس مأموریت‌های مقابله با بزهکاری طراحی شده است و ساختارهای کمی متناسب با حقوق و نیازهای بزه‌دیده ایجاد شده است. بخش‌های ویژه امدادی برای حمایت از بزه‌دیدگان در پلیس نیازمند تقویت امکانات و کارکنان آموزش دیده است. اماکن ویژه برای اسکان بزه‌دیدگان نیازمند حمایت، آمبولانس و خودروهای امدادی آتش‌نشانی، تجهیزات مورد نیاز نظیر لباس، پتو، وسایل گرمایشی و سرمایشی و ... از اهم نیازهای پلیس است. معمولاً کارکنان بخش‌های دیگر در موارد ضروری مبادرت به انجام خدمات خاص برای حمایت از بزه‌دیدگان می‌کنند، در حالی که باید کارکنان خاص و مستقل در این بخش‌ها متناسب با جمعیت، محدوده جغرافیایی تحت کنترل پلیس و نوع بزه‌دیدگی مشغول فعالیت باشند.^۱

فهرست منابع

۱. به عنوان مثال، کسانی که در مراکز مشاوره و مددکاری ناجا مشغول به انجام وظیفه هستند، توسط سایر بخش‌های پلیس به کار گرفته می‌شوند. حتی بعضاً به ناچار در پست‌های گشت و نگهبانی هم از آن‌ها استفاده می‌شود. در حالی که نباید به کارکنان این بخش‌ها، مأموریت دیگری واگذار شود.

- تروی، برنت.ای (۱۳۸۵): شخصیت جنایی مجرم، ترجمه اکبر استرکی، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا.
- حسامی، سمیه (۱۳۸۴): حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت خانگی در تحقیقات پلیسی، در: مجله حقوقی دادگستری، تهران، شماره ۵۲-۵۳، صص ۲۵۳ تا ۲۸۶، سال ۶۹.
- درنر، ویلیام جی (۱۳۹۳): بزه‌دیده شناسی، ترجمه عباس شیر، صص ۱۴۰۸ تا ۱۴۱۸، مندرج در کتاب دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، فیشر و دیگران، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- دلماش مارتی، می ری (۱۳۹۵): نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- رحیمی نژاد، علی رضا (۱۳۹۵): پرونده یک قتل، دشت مشوش، بازخوانی پرونده بیجه قاتل کودکان پاکدشت، تهران، چاپ اول، نشر پیدایش.
- شایان، علی (۱۳۸۴): «عدالت برای بزه‌دیدگان»، اداره کل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد CUNODCCD، مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، تهران، نشر سلسبیل.
- شیر، عباس (۱۳۹۲): «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده؛ اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب»، مندرج در کتاب «تازه‌های علوم جنایی»، کتاب اول، صص ۴۴۷ تا ۴۶۳، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- شیر، عباس (۱۳۸۶): رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیدگان؛ دادخواهی، در: فصلنامه پیشگیری از جرم، صص ۱۷-۵۹، سال دوم، شماره چهارم، تهران، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال اول و دوم (۱۳۸۶ - ۱۳۸۵).
- شیر، عباس (۱۳۹۵): رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده در مرحله دادرسی، در: کتاب «دائرة المعارف علوم جنایی» کتاب دوم، صص ۴۲۵ تا ۴۴۲، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- شیر، عباس (۱۳۹۶): عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- عباچی، مریم (۱۳۶۹): رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده، ص ۱۷۵، تهران، مندرج در مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲-۵۳.

- عظیم‌زاده، شادی (۱۳۸۴): مقاله پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه‌دیده «خشونت»، مندرج در مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، سال شصت و نهم، صص ۲۰۵ تا ۲۵۱، تهران.
- قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) با اصلاحات بعدی.
- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷.
- لیتل، دان (۱۳۸۸): تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم‌الاجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صراط.
- لین کرو، ناتاشا سمنز (۱۳۹۴): پژوهش جرم‌شناسی، برگردان آزاده واعظی، با دیباچه عباس شیری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱): «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها»، «بایسته‌های پژوهش در عدالت کیفری» صص ۱۱ تا ۱۹، تهران، چاپ اول، میزان.
- هگل، گئورک، ویلهم فریدریش (۱۳۷۸): عناصر فلسفه حق یا خلاصه‌ای از حقوق طبیعی و علوم سیاست همراه با متن کامل، افزوده‌های ادوارد گانز بر اساس یادداشت‌های هگگ هوتهو و کگ، فون گریزهایم، ترجمه مهبد ایرانی‌طلب، چاپ اول، تهران، انتشارات پروین.
- Bottoms, Anthony (2010): *Hearing the Victim – Adversarial Justice, crime victims and the State*, LONDON-USA WILLAN PUBLISHING, PP. 17-39.
- Burgess, Ann Wolbert-Regehr, Cheryl-Roberts, Albert R (2010): *Victimology; THEORIES And APPLICATIONS*, Jones and Bartlett Landon, Publishers International.
- Code of Conduct for Law Enforcement Officials (1979), G A. res.34/169, annex, 34 U.N. GAOR Supp. (N.46) at 186, U.N.A/34/46.
- Declaration Basic Principles of justice for Victims of Crime and Abuse of power (1989). G.A.40/34, annex, 40 U.N. GAOR Supp (No. 53) at 214, U.N.DOC.A/40/53.
- Siegel J. Larry (2009): *Criminology-7th edition, Tenth Edition*, USA, Tomson, 2009



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی